

چارت سازمانی دربار پهلوی دوم

۱۲ آبان ۱۳۹۵ ساعت ۱۴:۲۰

در داخل وزارت دربار سازمان‌هایی وجود داشت که حتی در برخی از امور از خود وزارت دربار و شخص وزیر، قدرتمندتر عمل می‌کردند. از جمله این سازمان‌ها می‌توان از دفتر ویژه یا مخصوص سلطنتی، سازمان بازرسی شاهنشاهی و بنیاد پهلوی نام برد.

در داخل وزارت دربار سازمان‌هایی وجود داشت که حتی در برخی از امور از خود وزارت دربار و شخص وزیر، قدرتمندتر عمل می‌کردند. از جمله این سازمان‌ها می‌توان از دفتر ویژه یا مخصوص سلطنتی، سازمان بازرسی شاهنشاهی و بنیاد پهلوی نام برد.

۱ - دفتر ویژه سلطنتی:

بازوی اجرایی دربار دفتر ویژه سلطنتی یا دفتر مخصوص شاه بود که از جهاتی مثل کارکنان دفتر رئیس جمهوری آمریکا در کاخ سفید عمل می‌کردند. اینها، افرادی بودند که به دقت انتخاب شده و مسئول عملکرد آرام سلطنت در شکل تشریفاتی و اجرایی آن شمرده می‌شدند. این دفتر نقش کنترل کننده اصلی فعالیت‌های ادارات متعدد دربار را به عهده داشت. آخرین رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی، نصرت الله معینیان بود که در تاریخ ۱۶/۹/۱۳۴۵ از طرف شاه به این سمت منصوب شد. معینیان رقیب اسدالله علم، وزیر دربار بود؛ وانگهی نسبت به او، از اقتدار و شخصیت مستقلی برخوردار نبود. انتصاب معینیان به ریاست دفتر مخصوص شاه، موجب نوعی توازن قوا در دربار پهلوی میان سیاست آمریکایی (معینیان) و انگلیسی (اسدالله علم) گردید. (۱) به لحاظ سازمانی، رئیس دفتر مخصوص شاه، دومین مقام وزارت دربار بود؛ تحت نظارت دقیق شاه قرار داشت و تا زمانی که در چارچوب حدود تعیین شده از جانب شاه فعالیت می‌کرد، ابقای او بر این سمت، تضمین شده بود.

۲ - سازمان بازرسی شاهنشاهی:

سازمان بازرسی شاهنشاهی از دیگر سازمان‌هایی بود که شاه در سال ۱۳۳۷ یک سال پس از ایجاد ساواک و به دنبال کودتای نافرجام ژنرال قزنی «برای نظارت نیروهای نظامی و انتظامی و جلوگیری از نطفه‌بندی توطئه‌های دیگر» (۲) تاسیس کرد. حدود صلاحیت سازمان بازرسی شاهنشاهی حتی ساواک را هم در بر می‌گرفت. این سازمان فقط در مقابل شاه پاسخگو بود و به مجلس، نیروهای مسلح، دولت و هیچ نهاد و مقام دیگری جز شاه جوابگو نبود. اکثر کارمندان این سازمان را فرماندهان نظامی بازنشسته تشکیل می‌دادند و رئیس آن حسین فردوست، بیش از هر کس دیگری به شاه نزدیک بود. سازمان بازرسی شاهنشاهی اختیار

بازرسی دائمی و بدون اطلاع قبلی همه حوزه‌های حکومتی را داشت.

روی هم رفته می‌توان گفت که هدف عمده سازمان این بوده که ببیند آیا سیاست‌های دیکته شده شاه را وزارتخانه‌ها و کارمندان و مقامات مختلف استانی اجرا می‌کنند و یا خیر و موارد خلافتکاری و عدم وفاداری احتمالی ماموران، بویژه مقامات عالیرتبه را شناسایی و گزارش نماید. خود محمدرضا شاه هدف از تاسیس سازمان بازرسی شاهنشاهی را بدین گونه توضیح می‌دهد:

«هر چند ژاندارمری و دیگر سازمان‌های دولتی دیسپلین داخلی خود را به خوبی برقرار می‌کنند. تجربه، احتیاج به یک سازمان بازرسی مستقل را نشان داده است. این کاری است که سازمان بازرسی شاهنشاهی من انجام خواهد داد. کارکنان این سازمان می‌توانند هر کجا می‌خواهند بروند و بدون ترس یا جانبداری من هر نوع بی‌عدالتی احتمالی را بررسی کنند.» (۳)

سازمان بازرسی شاهنشاهی از دیگر سازمان‌هایی بود که شاه در سال ۱۳۳۷ یک سال پس از ایجاد ساواک و به دنبال کودتای نافرجام ژنرال قرنی «برای نظارت نیروهای نظامی و انتظامی و جلوگیری از نطفه‌بندی توطئه‌های دیگر» تاسیس کرد.

البته مینو صمیمی که سال‌ها در خدمت دربار و شخص فرح بود نظر دیگری در مورد این سازمان دارد او می‌نویسد: «نتیجه اقدامات بازرسان شاهنشاهی به طور معمول از معرفی «آفتابه دزدها» فراتر نمی‌رفت.» (۴)

سازمان بازرسی شاهنشاهی به رغم اینکه خدمات زیادی به محمدرضا شاه کرد و اقدامات قابل توجه در جهت اهداف و امیال شاه انجام داد، در عین حال در سال ۱۳۵۵ که برنامه پنجم عمرانی با ناکامی‌های شدید مواجه شد شاه از خدمات این سازمان صرف‌نظر کرد و جهت بررسی علل این ناکارآمدی، سازمان جدیدی به نام «کمیسیون شاهنشاهی» تاسیس کرد. معینیان، از دفتر مخصوص به عنوان هماهنگ کننده این کمیسیون برگزیده شد و افرادی هم از سازمان بازرسی شاهنشاهی و ساواک بکار گرفته شدند. ایجاد این کمیسیون، تغییر مهمی در سیاست شاه بود؛ زیرا برای اولین بار چنین سازمانی شامل هم قسمت‌های مخفی و هم قسمت‌های علنی ساختار قدرت سیاسی بود. هدف این کمیسیون از بین بردن عدم کارایی و بی‌لیاقتی در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی اعلام شد. بدین دلیل هویدا این کمیسیون را «قوی‌ترین بازوی قدرت اجرایی» توصیف کرد (۵) و اظهار امیدواری کرد که این کمیسیون دولت را در اجرای برنامه‌های سیاسی و اقتصادی خود در مسیر صحیحی هدایت و یاری دهد.

۳ - بنیاد پهلوی:

خانواده پهلوی نه فقط امکانات گسترده نظامی، اداری و قانونگذاری را در اختیار داشت بلکه از نظر اقتصادی نیز بزرگترین قدرت محسوب می‌شد. در سال ۱۳۳۰ محمدرضا شاه برای به جریان انداختن پول‌های حاصل از فروش املاک سلطنتی اداره‌ای به نام «دفتر املاک اختصاصی» به وجود آورد. هفت سال بعد سازمانی به نام «بنیاد پهلوی» جانشین آن شد که در مدت زمانی کوتاه به بزرگترین تشکیلات اقتصادی و مالی ایران تبدیل شد. بنیاد پهلوی که به طور رسمی در سال ۱۳۳۷ تأسیس شد ظاهراً یک

بنیاد خیریه بود که از دارایی‌های محمدرضا شاه تامین می‌شد، ولی به تدریج تمام درباریان از محمدرضا شاه گرفته تا خواهرها و برادرها و خویشاوندان سببی و نسبی و وابستگان دور و نزدیک در آن به سرمایه‌گذاری و دخالت مستقیم پرداختند و با ایجاد دفاتر مخصوص در خرید و فروش‌های کلان واردات و صادرات، بانکداری، کشاورزی و مقاطعه کاری با یکدیگر به رقابت پرداختند. (۶)

در واقع بنیاد پهلوی در همه شئون زندگی مردم ایران نقشی حیاتی داشت. گذشته از خود دولت، این بنیاد پر قدرت‌ترین نیروی اقتصادی مملکت بود؛ طوری که قسمت زیادی از پول‌ها برای نگهداری و گسترش این قدرت اقتصادی صرف می‌شد. منابعی که به امور خیریه خالص اختصاص یافته باشد در مقام مقایسه با امور تجاری بسیار ناچیز بود.

«بنیاد پهلوی از سه طریق به دربار و درباریان خدمت می‌کرد: اول، به صورت یک مجرای قانونی و مطمئن برای تامین «مستمری»ها و افزایش درآمدها، دوم، به صورت یک منبع سرمایه‌گذار و حامی شرکت‌های متعلق به شاه و سرانجام به صورت یک وسیله کنترل موثر و تعیین کننده بخش‌های مختلف اقتصادی و صنعتی مملکت.» (۷)

در سال ۱۳۵۶، بنیاد پهلوی در ۲۰۷ تاسیسات صنعتی و زراعی از جمله ۸ مزرعه، ۱۰ کارخانه سیمان، ۱۷ بانک و شرکت بیمه، ۲۳ هتل، ۲۵ شرکت فلزکاری، ۲۵ شرکت کشت و صنعت و ۴۵ شرکت ساختمانی و ۱۷ شرکت صنایع غذایی و دهها شرکت بازرگانی سرمایه‌گذاری کرده بود و سالانه ۴۰ میلیون دلار کمک مالی از دولت دریافت می‌کرد. از سال ۱۳۵۲ به بعد بنیاد پهلوی به خرید اموال غیرمنقول در خارج از کشور اقدام می‌کرد. از آن پس میزان دارایی‌های شاه در داخل و خارج از کشور همچنان رو به فزونی گذاشت. در ایران هیچ موسسه اقتصادی و مالی مهمی وجود نداشت که شاه و فامیلش در آن سهم نباشند. رسم بر این بود کسانی که سرمایه‌گذاری می‌کردند، قسمتی از سهام خود را مستقیماً به اعضای خانواده پهلوی یا بنیاد واگذار می‌کردند. این کار بدین دلیل انجام می‌گرفت که با شرکت دادن خانواده پهلوی سود کارخانه تضمین شود.

سازمان بازرسی شاهنشاهی به رغم اینکه خدمات زیادی به محمدرضا شاه کرد و اقدامات قابل توجه در جهت اهداف و امیال شاه انجام داد، در عین حال در سال ۱۳۵۵ که برنامه پنجم عمرانی با ناکامی‌های شدید مواجه شد شاه از خدمات این سازمان صرف‌نظر کرد

بنیاد پهلوی فعالیت‌های دیگری نیز داشت: گاهی بورس تحصیلی و یا وام در اختیار جوانان قرار می‌داد، خانه سالمندان و موسسات کمک به معلولان تأسیس و به خانواده‌های دردمند و محتاج کمک می‌کرد. سازمان خدمات اجتماعی بیش از ۲۵۰ درمانگاه و ۱۰ بیمارستان تأسیس و یا اداره آنها را به عهده داشت و حدود ۹۰ مرکز نگهداری جوانان و شیرخوارگاهها را زیر نظر داشت. بنیاد پهلوی یک شرکت ترجمه و نشر کتاب هم داشت که تا فروردین ۱۳۵۵، ۴۷۶ عنوان کتاب به چاپ رسانده بود. بنیاد به صورت مستقیم و یا از طریق سازمان ترجمه و نشر کتاب و چاپخانه ۲۵ شهریور که ۱۰٪ متعلق به سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بود بزرگترین واحد کنترل را در صنعت چاپ و نشر کتاب ایجاد کرده بود. در واقع بنیاد پهلوی از طریق چاپخانه ۲۵ شهریور بر

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۱۲۳/دوم-پهلوی-دربار-سازمانی-چاره>